نسیم جنوب
naasimjonoub.com
سال بیست و سوم- شماره ۹۱۵ یک شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۹ - ٤ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



از خانه پدری تا قبرستان پدری

یونس قیصی زاده

صفحه۳



قناصه چی های انتخابات و استیگمای نماینده اقلیت بودن

دکتر سعید معدنی

صفحه۴

خاکستر شدن عرصه‌های بوشهر در آتش نداشته‌ها

صفحه۲



رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر:

تامین اعتبار هزینه های اطفاء حریق جنگل‌های کشور توسط سازمان برنامه و بودجه



لزوم م توجه به سلامت روان در دوران همه گیری کرونا

دکتر مولود کیخسروانی

صفحه۲

۳

قتل دست جمعی یک دختر ۱۳ساله

مرتضی رضایی

۳

کودک خود را در فضای مجازی بازیگر نکنید

آیدا چوبساز

٤

ناگفته‌هایی از زندگی شیر محمد تنگسیر در بوشهر

مهدی جهانبخشان

٤

گرامیداشت یاد شاعر محلی سرای استان بوشهر استاد فرج الله کمالی در دانشگاه خلیج فارس بوشهر

بدلیل ناهماهنگی، با سنگ و چوب، آتش مراتع و جنگل‌های بوشهر خاموش می شود



یک استاد دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر گفت: نبود هماهنگی میان پایین ترین تا بالاترین رده مدیریتی در کشور و به تبع آن استان‌ها و شهرستان‌ها در زمان وقوع حوادث و بحران نظیر آتش‌سوزی باعث می‌شود تا هر کس ساز خود را کوک کند طوریکه وقتی آتش در یکی از مناطق استان بوشهر می‌افتد، مسئولان دیگر شهرستان‌ها این استان می گویند به ما ربطی ندارد.

عبدالله آورا اضافه کرد: همچنین این وضعیت ناهماهنگی در میان مسئولان استان‌ها نسبت به استان همجوار خود نیز وجود دارد، طوریکه فارس و اصفهان و خوزستان در قبال آتش‌سوزی مراتع و جنگل‌های بوشهر احساس مسئولیت نمی کنند، حتی مسئولان کشوری نیز نسبت به مدیران استانی زیر دست خود احساس کمک نمی کنند.

وی گفت: این وضعیت باعث می‌شود آتشی که با کار چند ساعته چند بالگرد در زمان مناسب قابل مهار است، باید کل کوه‌ها و مراتع را بسوزاند تا هماهنگی بین واحدها امکان پذیر شود که همان نوش‌داروی بعد از مرگ است و تا زمان هماهنگی ملی، مدیران استانی و مردم، باید با سنگو چوب آتش خاموش کنند.

آورا ادامه داد: در چنین شرایطی باید در قرن ۲۱ به جای استفاده از هواپیما و بالگرد آتش نشان از چارپایان برای انتقال تجهیزات آتش نشانی به مناطق مرتفع و سخت گذر در دشتستان استان بوشهر استفاده شود.

کمبود و نبود امکانات اطفای حریق در استان بوشهر در شرایطی است که براساس گزارش اداره‌کل هواشناسی تابستان امسال با افزایش ۱.۵ درجه گرمای هوا در این استان روبرو هستیم و می‌طلبد مسئولان بیش از هر زمان دیگری به فکر پیشگیری از بروز حوادث آتش‌سوزی باشند. هواشناسی استان بوشهر پیش بینی کرده که گرمای تابستان در مناطق ساحلی این استان تا ۴۵ درجه و در مناطق غیر ساحلی تا ۵۰ درجه سانتیگراد برسد که این وضعیت شرایط را برای وقوع آتش‌سوزی در مناطق گرم و خشک با پوشش گیاهی مناسب افزایش داده‌است.

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۹۱۵ یک شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

تامین اعتبار هزینه های اطفاء حریق جنگل‌های کشور توسط سازمان برنامه و بودجه



در پی وقوع آتش سوزی های اخیر در برخی استان‌های کشور و عدم حضور به موقع هواپیما و بالگردهای آبپاش به دلیل عدم تامین هزینه های آن، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر از تأمین این هزینه ها در سال قبل و همچنین سال جاری خبر دادند .

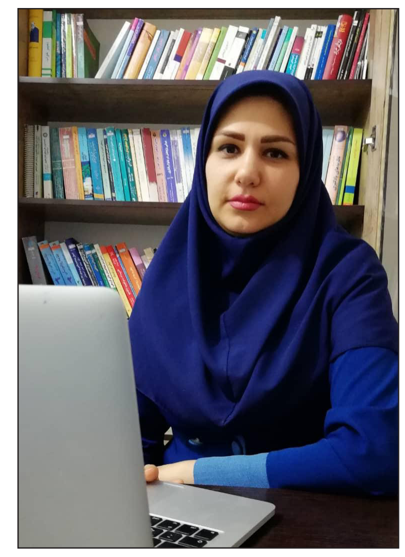
به گزارش روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی دکتر علی درویشی از اختصاص مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال برای اطفاء حریق خبردادند.

بنا به اظهارات رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر: در سال گذشته و همچنین سال جاری توسط سازمان برنامه بودجه کشور هزینه‌های مربوط به اطفاء حریق تامین گردیده است.

دکتر درویشی افزود: در سال جاری نیز تاکنون مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال برای تامین امکانات ضروری و تجهیزات مناسب و خدمات پروازی برای اطفاء حریق جنگل‌ها و مراتع کشور جهت پیشگیری از بروز حوادث پیش بینی نشده و کاهش روند آسیب پذیری پوشش جنگلی ایران، توسط سازمان برنامه بودجه به خزانه داری کل کشور ابلاغ گردیده است و این اعتبار در اختیار سازمان جنگلها و مراتع کشور قرار دارد که از طریق وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برای تامین خدمات پروازی و تجهیزات مناسب هزینه خواهد شد.

لزوم م توجه به سلامت روان در دوران همه گیری کرونا

دکتر مولود کیخسروانی - هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر



همه ما اخبار مربوط به کرونا، رفتارهای پیشگیرانه و نحوه جلوگیری از ابتلا به آن را دنبال میکنیم، با این حال باید در نظر داشت که توجه به سلامت روان به همان اندازه و شاید بیش از آن دارای اهمیت است.

با شیوع ویروس کرونا اغلب افراد اضطراب را تجربه میکنند، پس اگر شما نیز این حس را تجربه کرده اید، بدانید تنها نیستید.

روانشناسان انگلیسی اعتقاد دارند از زمان همه گیری ویروس کرونا از هر سه انگلیسی یک نفر دچار مشکلات سلامت روان شده اند. بنابراین نگرانی بابت شنیدن اخبار بد، کاملا قابل درک است؛ اما ممکن است به سلامت روان شما آسیب زند. البته باید توجه داشت که استرس به خودی خود یک مفهوم منفی نیست و میزانی از استرس و اضطراب نه تنها بد نیست بلکه تا حدی فعال کننده رفتار فرد است. اما زمانی که تداوم یافته و از حالت طبیعی خارج شود حالت بیمارگونه به خود میگیرد.

استرس کنش عاطفی، ذهنی و فیزیکی فرد در برابر احساس خطر درونی یا بیرونی است؛ یعنی یا ذهن ما استرس ایجاد میکند یا عوامل بیرونی باعث ایجاد استرس میشود. مشکل اغلب افراد این است که قادر به کنترل آن نیستند.

افراد مختلف نسبت به موقعیت های اضطراب آور، به شیوه های متفاوت واکنش نشان میدهند. تاثیر یک وضعیت اضطراری به ویژگی های شخصیتی، تجربیات فرد، شرایط اقتصادی - اجتماعی، در معرض خطر بودن، میزان دسترسی به امکانات و ... بستگی دارد.

ویژگی مشترک همه اختلالات اضطرابی ترس از عدم کنترل، ناتوانی در تحمل بلاتکلیفی، ترس از نادانسته ها و انتظار وقوع یک اتفاق عجیب است. هر چه اضطراب بالاتر باشد یعنی فرد به دنبال کنترل بیشتری بر اتفاقات خارج از کنترل است. چیزهای مبهم به شدت نگران کننده هستند. فرد برای رسیدن به قطعیت، احتمالات متفاوت را بررسی میکند، اما دنیا پر از ابهام است و نمیتوان همه چیز را قطعیت بخشید. افراد به دنبال قطعیت و رفع ابهامات هستند تا آمادگی لازم جهت برخورد با هر رویدادی را داشته باشند.

عدم قطعیت و وجود اتفاقات پیش بینی نشده را باید پذیرفت. ابهام، بخشی از ماهیت دنیاست و اینکه افراد به دنبال قطعیت باشند تلاشی بیهوده و غیر ممکن است. این تفکر اشتباه است که با به دست آوردن همه اطلاعات میتوان ابهام را به صفر رساند. از انجا که آینده غیر قابل پیش بینی است زندگی روزمره مملو از ابهام است، بنابراین همیشه چیزی برای نگرانی وجود دارد. بنابراین این تصور اشتباه است که هر چه اطلاعات من درباره این ویروس ناشناخته بیشتر باشد میتوانم خود و عزیزانم را در مقابل آن حفاظت کنم. البته در نظر داشته باشید موقعیت های مبهم همیشه همراه با یک پیامد منفی نیست و این احتمال وجود دارد که اگر اتفاقی رخ دهد، قادر به کنترل آن هستید. پس حتی در صورت ابتلا به بیماری شرایط تحت کنترل شما و کادر درمانی است.

راهکارهایی در جهت افزایش سلامت روان

وضعیت موجود که بر اساس همه گیری ویروس کرونا به وجود آمده و مشخص نیست تا چه زمانی ادامه داشته باشد، یک سبک زندگی جدید را به وجود آورده که خواه ناخواه باید آن را پذیرفت و به آن عادت کرد.

راهکارهای زیر جهت به حداقل رساندن آسیب های روانی دوران کرونا و بهبود سلامت روان افرادی که در حال تجربه وضعیت جدید و موقتی و در عین حال غیر قابل پیش بینی هستند، پیشنهاد میشود :

۱. محدود کردن پیگیری اخبار: نهایتا یک بار در روز به اخبارگوش دهید. زمان کمتری را به چیزهایی اختصاص دهید که حالتان را بد میکند. نیاز نیست اخبار لحظه به لحظه را دنبال نمایید.

۲. شستشو دست ها در حد تعادل: مراقب باشید رفتارهای پیشگیرانه شما تبدیل به وسواس نشود. از خود بپرسید شستشو برای چیست؟ برای رعایت توصیه های بهداشتی یا رهایی از افکار منفی و اضطرابی.

۳. تماس با دیگران: برای بیان احساسات خود با دیگران، به خصوص افراد شوخ طبع و خوش بین، به صورت مجازی یا واقعی«با رعایت پروتکل های بهداشتی» در تماس باشید.

۴. توجه به سلامت جسم: به اندازه کافی از ورزش، خواب کافی، نور خورشید و ...بهره بگیرید.

۵. توجه به اینجا و اکنون: به این توجه کنید که در حال حاضر حالتان خوب است، بنابراین نیاز نیست بیش از اندازه درباره آینده نگران باشید.

۶. مقید بودن به برنامه ریزی روزانه: اختلال در روند عادی زندگی عامل بروز استرس است پس به انجام کارهای روتین روزانه خود پایبند باشید. باید توجه داشت که جانب تعادل رعایت شود. داشتن برنامه خشک و غیر قابل انعطاف خود می‌تواند عامل بروز استرس شود.

۷. انجام کارهای عقب افتاده: در این دوران که زمان آزاد بیشتری دارید میتوانید به انجام پرونده های نیمه باز قدیمی و کارهای عقب افتاده خود بپردازید.

۸. انجام فعالیت های لذت بخش: به فعالیت هایی مثل تماشای فیلم، خواندن کتاب و بازی های خانوادگی بپردازید.

۹. توجه به نکات مثبت این ویروس: به این توجه داشته باشید که میزان کشندگی این ویروس کمتر از آنفولانزا اما سرایت پذیری و بیماری زایی آن چندین برابر است و تقریبا از هر صد نفر ۹۵ بهبود یافته اند. بنابراین این بیماری جدی اما قابل کنترل است.

۱۰. مراجعه به روانشناس: در نهایت اگر میزان اضطراب خود را غیرقابل کنترل میبینید از خدمات روانشناختی تلفنی یا انلاین بهره بگیرید.

خاکستر شدن عرصه‌های بوشهر در آتش نداشته‌ها

بوشهر- ایرنا- آتش‌سوزی پدیده‌ای است که در فصل گرما پوشش گیاهی و مرتعی استان بوشهر را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد، طوریکه از آغاز سال جاری تاکنون ۳۱ فقره حریق در این استان رخ داده و بیش از ۸۰۰ هکتار از مراتع، جنگل و باغ را در کام شعله‌های خود خاکستر کرده‌است.

استان گرم و خشک بوشهر باتوجه به شرایط آب و هوایی و موقعیت اقلیمی درسال‌های پرباران با توجه به رویش پوشش گیاهی مطلوب با خطر آتش‌سوزی در فصل گرما و در خشکسالی‌ها با پدیده گردو غبار روبرو است که هر دو عارضه در صورت برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده، مدیریت کارآمد و وجود امکانات مناسب و کافی قابل پیشگیری و کاهش خسارت است.

با وجود تلاش‌های شبانه روزی نیروهای امدادی، آتش نشانی، هلال احمر، مدیریت بحران، مردم و ارگان‌ها و نهادهای نظامی بوشهر برای خاموش کردن آتش‌سوزی‌ها در این استان اما به دلیل نبود امکانات از جمله تامین نشدن بالگرد آب‌پاش و پشتیبانی و فقدان راه‌های دسترسی به مناطق سخت گذر و کوهستانی و همراه شدن شعله‌های آتش با باد باعث شده تا در هر فقره وسعت زیادی از پوشش گیاهی و مرتعی از بین برود و خسارت زیادی به محیط زیست و منابع طبیعی استان وارد شود.

کمبود و نبود امکانات اطفای حریق در استان بوشهر در شرایطی است که براساس گزارش اداره‌کل هواشناسی تابستان امسال با افزایش ۱.۵ درجه گرمای هوا در این استان روبرو هستیم و می‌طلبد مسئولان بیش از هر زمان دیگری به فکر پیشگیری از بروز حوادث آتش‌سوزی باشند.

راضیه اشعثی فعال محیط زیستی استان بوشهر گفت: با تصمیم دیر هنگام و نبود واکنش سریع، نداشتن درک درست از شرایط بحران، پنهان کاری، نبود امکانات و تجهیزات خاموش کننده آتش، نبود برنامه ریزی و تخصیص بودجه آتش سوزی سبب می‌شود تا بخش زیادی از زیستگاه هزاران حیوان و پرنده طعمه آتش شود.

وی گفت: تصمیم‌ها در این بخش بسیار مهم هستند و باید بلافاصله ستاد بحران با مدیریت منابع طبیعی تشکیل شود، وقتی اعتبارات منابع طبیعی به سمت آب و آبخیزداری هدایت می‌شود و برای نقش اصلی خود که حفاظت، احیا و توسعه جنگل و مرتع است اعتباری برای حفاظت واقعی درنظرگرفته نمی‌شود چنانکه نیروهای اطفای حریق حتی کفش مناسب یا یک چراغ قوه ندارند تا در تاریکی شب بتوانند از کوه‌ها عبور کنند، پوشش گیاهی بیشتری هیزم آتش می‌شود.

اشعثی با اشاره به اینکه امسال تاکنون ۲۸ آتش‌سوزی در استان بوشهر در بخش عرصه‌های طبیعی رخ داده‌است گفت: چرا در آتش‌های کوچک‌تر فکری برای مراتع استان نشد که الان بتوانند آتش‌های بزرگتر را کنترل کنند؟

این فعال محیط زیست اضافه کرد: وقتی بطور بی‌سابقه‌ای از ابتدای امسال آتش‌سوزی‌های متعدد و مکرر درشهرستان‌های مختلف پیش آمد و آتش سوزی‌ها هر هفته اتفاق می‌افتد، چرا منابع طبیعی و ستاد بحران به فکر چاره اندیشی نبوده و برنامه مشخصی برای مقابله با آتش تدوین نکردند؟

وی گفت: نبود واکنش سریع، درک بحران در آتش سوزی دهرود، خائیز و بوشکان باعث تاخیر در ورود بالگرد آب‌پاش شده‌است و بقایای گیاهان سوخته هرآن امکان شعله ورشدن و آتش سوزی گسترده را می‌دهد.

دانش آموزان ممتاز پایه اول دبستان دخترانه غیر دولتی صبا سال تحصیلی ۹۹-۹۸
با تشکر از آموزگار پایه اول سرکار خانم پورک

دبستان غیر دولتی دخترانه صبا



بهار خادمی



آناهید جعفری



آندیا بن شمس



آیلین قنبری



آترین مظلوم زاده



باران قنبری



نیایش تیموری



ریحانه حسین آبادی



دینا دست خط



ترنم مرادی



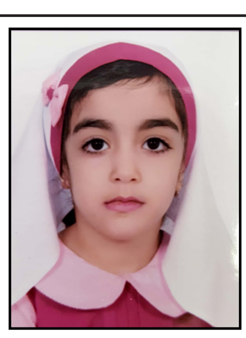
تمنا حسینی



ترنم سهیل مقدم



پرنیان اخلاقی



پانیا بخشی



فاطمه محمودی



ترنم غریبی



سیندخت کیانی



هیلدا صیادی



سلاله سرادار



سپیده سرمدی



سارینا صبور



لیانا بیشکی



ترمه بیشکی



یسنا فاضل



کیانا دبستان



وانیا کرمی



نازنین زهرا خلف پور



وانیا درفشان

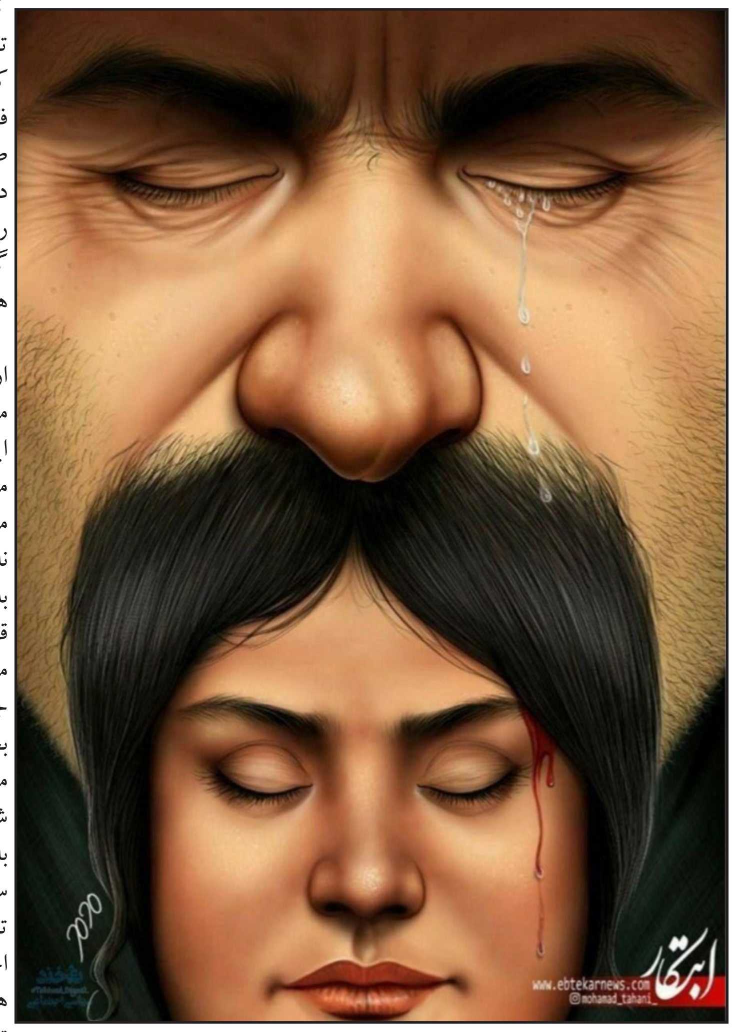


نیاز کرمی

۳
اجتماعی
شماره ۹۱۵ یک شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

قتل دست جمعی یک دختر ۱۳ساله

مرتضی رضایی



رومینا کشته شده است. یک قتل ناموسی به دست پدر؛ داس کشیده است آن هم بعد از آنکه تلاش کرده دختر را خفه کند و دخترک سیزده ساله جان سختی کرده و پدر در اوج طغیان خویش «داس ِکشی» کرده و گلوی دختر ۱۳ ساله را می برد. اما به راستی قاتل او کیست؟ آیا پدرش؟ من در این یادداشت می کشم شش متهم این جنایت را صورت بندی کنم.

۱- متهم ردیف اول: قانون گذاران

در ماجرای این قتل ناموسی، پسری که دختر با او فرار کرده است، مدعی وجود عشق و علاقه قلبی و قصد ازدواج بوده که با مخالفت پدر و سنت رو به رو شده بودند. متهم ردیف اول قانونگذاران هستند؛ اگر اساساً هر نوع ازدواج زیر ۱۸ سال ممنوع می شد این منع لایتغیر قانونی، به پسری سی ساله این فرصت و رخصت را نمی داد که سودای وصلت با دختری ۱۳ ساله در سر بپروراند و او را اغوای یک عشق بوالهوسانه کند تا زنجیره وار مابقی حوادث رخ دهد. چنان قانونی مصونیتی گسترده برای دختران بی پناهی می آورد که اغلب قربانیان شرایط پیرامونی خویش هستند.

۲- متهم ردیف دوم: دستگاه های حمایتی

در ماجرای این قتل فجیع، عنوان شده است که دختر در خانواده ای نا به سامان زندگی می کرده و از سوی پدرش تحت انواعی از خشونت به سر می برده. دختر یکی از دلایل پناه بردنش به پسری که بیش از دو برابر سن او، سن داشته است، خلاصی از آزار و ایذاء پدر خشن بوده است. هنگامی که قوانین حمایت از کودکان زیر ۱۸ سال به سرنوشت مشخصی نمی رسد، و دستگاه های حمایتی نه توان مالی و نه ابزار حقوقی کافی برای مقابله با کودک آزاری و در پناه گرفتن کودکان در معرض آسیب دارند، کودک آزاری های گوناگون می تواند به چنین فجایعی ختم گردد. این دختر حتی به بازپرس پرونده هشدار می دهد که او را به پدرش تحویل ندهند، چون پدرش او را می کشد؛ اما در نهایت به دلیل فقدان قوانین لازمه در این خصوص نطفۀ جنایت بسته می شود.

۳- متهم ردیف سوم: بهمن خاوری ۳۰ ساله

پسری حدودا سی ساله عاشق دختری ۱۳ ساله می شود. این اختلاف سنی می تواند نشانه ای از نوعی اختلال شخصیت و حتی پدوفیلی باشد. پدوفیلی یعنی میل جنسی به کودکان که عمدتا زیر ۱۵ سال را شامل می شود و رنج سنی ۷ تا ۱۳ سال بیشترین قربانیان را در خود داشته است. بی تردید از دیگر متهمان این قتل فجیع بهمن خاوری ۳۰ ساله است که چنان عملی را مرتکب می شود و دخترکی ۱۳ ساله را واجد شرایط برای روابط زناشویی و پیچیدگی های زندگی مشترک می بیند.

۴- متهم ردیف چهارم: روشنفکران

مسئلۀ ناموس و به ویژه مسئلۀ بکارت در سپهر ذهنی ایرانیان حل نشده است. لایه های مختلف جامعه ایران بر سر مسئلۀ ناموس و بکارت دختران و نیز آزادی های ملازم با زندگی شهرنشینی به تناقصات جانکاهی دچار است و روان‌رنجوری و روان‌پریشی شدیدی را تجربه می کند. در این میان روشنفکران و صاحبان فکر و ایده در ایران نتوانسته اند به اقشار مختلف جامعه در حل این تناقض یاری برسانند و گفتمانی خلق نمایند که این تعارضات و تناقضات را برای روح زخمی ایرانی حل کند. امر جنسی در ایران، امری طاقت فرسا شده است. روشنفکران که در صورت بندی ذهنیت جامعه نقشی بنیادین دارد، در این جا نقش خویش را به هیچ رو ایفا نکرده است و این خود مُمِد شکل گیری بخش عمده ای از زمینه های قتل های ناموسی در کشور است.

۵- متهم ردیف پنجم: مردان و نظام ارزشی مردانه

مردان و امر مردانه پنجمین ردیف متهم این قتل است. ننگ ناموسی در سنت مردانه جز به خون شسته نمی شود. امر مردانه اقتضائش این است ننگ های ناموسی به خون شسته شود. پدر رومینا به عنوان قاتل، «عامل» قتل است اما «آمر» قتل نیست. آمران قتل رومینا یکایک مردانی هستند که ذهنیت مردانۀ آنان در جایی مفصل‌بندی می شود که با قداست بخشی به ارزش های مردسالانه، هر نوع مقاومت در قبال آنان را چنان در هم می شکنند که راهی جز فروپاشی شخصیتی باقی نمی ماند. یکایک مردان در بر ساختن امر مردانۀ ایرانی، فارغ از سطح تحصیلات و طبقۀ اقتصادی و منزلت اجتماعی، کماکان کارگزار ارزش هایی هستند که «زن به مثابۀ ابژۀ جنسی» همواره تحت انواع خشونت است. و در این میان پدر رومینا چنان تحت فشار اجتماعی...

۶- متهم ردیف ششم: پدر

در این جنایت پدر عامل قتل است؛ اما به نظر نمی رسد که آمر قتل نیز باشد...

نتیجه:

این قتل نیز همچون سایر پرونده های مشابه و نیز نظیر انواع کودک آزاری های هول انگیزی که در این سال‌ها تنها نمونه هایی از آن به افکار عمومی و جراید راه یافته و عواطف عمومی را به شدت جریحه دار کرده است، چندی موجی بر می انگیزد و باز خاموشی و سکوت جامعه را فرا می گیرد. اما تا پیش از رسیدن به پدر رومینا دست کم پنج ردیف متهمی وجود دارند که به نظر می رسد همچنان دست اندر کار پدید آوردن زمینه های قتل های دیگری از جنس و صنف هستند.

http://jameeonline.ir

سیزده سؤال درباره قتل رومینا سیزده ساله

محمد فاضلی- عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی





رومینا دختر سیزده ساله‌ای که با پسری از خانه فرار کرده بود، بعد از دستگیری و بازگرداندن به خانه، توسط پدرش، با داس، در قتلی ناموسی، کشته شده است. چند خبرنگار از صبح تا حالا خواسته‌اند تحلیلم را بنویسم، اما من چند سؤال دارم.

یک. آیا رومینا به حقوق فرزندی‌اش آگاهی داشت؟ آیا او در مدرسه یا هر جای دیگری درخصوص خشونت خانگی یا هر تهدید دیگری که ممکن است یک دختر نوجوان را تهدید کند آموزش دیده بود؟

دو. آیا رومینا در زمانه‌ای که سن و سال اولین ارتباط‌های عاشقانه و جنسی به همین حدود سیزده چهارده سال کاهش یافته است، برای مدیریت عواطف و احساسات انسانی‌اش آموزشی دریافت کرده بود؟

سه. آیا قانون جامع و کم‌نقصی وجود دارد که از فرزندان و بالاخص دختران در مقابل خشونت‌های خانگی « از تحقیر گرفته تا کودک‌آزاری، تجاوز جنسی و قتل» دفاع کند؟

چهار. آیا رومینا به مراکز مشاوره، مراجع حقوقی مسئول در زمینه حمایت از حقوق کودکانی که ممکن است در معرض خشونت خانگی قرار گیرند، دسترسی داشت؟ آیا او شماره تلفن مراکزی را که می‌توانستند از او در مقابل خشونت خانگی دفاع کنند، می‌دانست؟

پنج. آیا پدر رومینا برای اعمال آن‌چه خیر فرزندش می‌دانسته « ممانعت از ازدواج با فرد نامناسب » به مراکز مشاوره یا هر مرجع کمک‌کننده دیگری دسترسی داشته است؟

شش. آیا جامعه در حال گذار ایران به اندازه کافی درباره پدیده‌های ناشی از تغییرات اجتماعی « از جمله همین بروز زودهنگام احساسات دختران و پسران و ارتباطات جنسی» دانش، خرد و گفت‌وگو تولید می‌کند؟ (همین دیروز در شمال میدان تجریش، کمی بالاتر از مرکز خرید ارگ، دختر و پسری در همین سن و سال را دیدم که در تاریکی پیاده‌رو، عاشقانه یکدیگر را بغل کرده بودند، پدیده تا این حد عادی شده است.)

هفت. آیا رومینا مدرسه می‌رفت؟ آیا نظام آموزش و پرورش ما در قبال بروز چنین مسائلی مسئولیتی دارد؟ آیا معلمان و مدیران مدرسه مسئولیت داشتند وضعیت روحی او را زیر نظر داشته و نسبت به بروز واقعه‌ای نظیر فرار او با یک پسر حساسیت نشان دهند؟

هشت. آیا پلیس به ابزارهای قانونی لازم برای بررسی شرایط روحی و روانی اعضای خانواده و ممانعت از بروز خشونت احتمالی مجهز است؟

نه. آیا پلیس، بهزیستی، قوه قضائیه و ... مجازند آمارهای قتل‌های ناموسی را منتشر نکنند و به گونه‌ای عمل کنند که گویی این چنین وقایعی در کشور رخ نمی‌دهند؟

ده. آیا کسانی که نقشی در توقیف نُه ساله فیلم «خانه پدری» (با محوریت قتل ناموسی) - فقط به عنوان ابزاری برای طرح مسأله و نمادی از گفت‌وگوی اجتماعی درباره پدیده قتل ناموسی - داشتند و حتی پس از صدور مجوز اکران، باز هم آن‌را از اکران بازداشتند، نقش و مسئولیتی در این گونه قتل‌ها دارند؟ آیا آن‌ها به جز پنهان کردن این رخدادها و پاک دانستن جامعه از این گونه وقایع، راهبرد و راهکار دیگری هم برای جلوگیری از تکرار این وقایع دارند؟

یازده. آیا این ظرفیت در رسانه صدا و سیما وجود دارد که آزادانه در این ماجرا ورود کند و از همه جوانب حقوقی، روانی، خانوادگی، جامعه‌شناختی و ... به مسأله بپردازد و جامعه را نسبت به چنین رخدادهایی آگاه کند و مبدأ گفت‌وگوی اجتماعی فراگیری درباره این پدیده باشد؟ آیا صدا و سیما اجازه خواهد داشت ابعاد واقعی این گونه قتل‌ها در ایران را آشکار کند؟

دوازده. سیاست و جامعه ایران امروز تا چه زمانی می‌خواهد یا می‌تواند وضعیت «سکس» و «امر جنسی» را زیر فرش جارو کرده و چنان با آن روبه‌رو شود که گویی وجود ندارد یا به‌سامان است؟ نظریه سیاست بدن و مواجهه با امر جنسی در این کشور که سیاست اجتماعی و فرهنگی بر اساس آن تدوین می‌شود چیست؟ کجا درباره آن بحث شده و جامعه در جریان آن قرار گرفته است؟ بنیاد «خِرَدجنسی این جامعه چیست و کجا و چگونه این خرد بررسی می‌شود؟ سیاست اجتماعی» امرجنسی در جامعه ایرانی چگونه وضع می‌شود؟

سیزده. سیاست رسمی حکومت برای حفاظت از کودکان، زنان و قربانیان خشونت خانگی چیست؟ آیا سندی بالادستی برای مهار این پدیده وجود دارد؟

قتل رومینا ریشه‌های اجتماعی، سیاسی و سیاستی دارد که اگر کاوش نشوند، دردی درمان نمی‌شود. بُهت، حیرت و گریستن بدون پرسش و پاسخ مطالبه کردن، بی‌فایده است.



از خانه پدری تا قبرستان پدری

یونس قیصی زاده



سر بریدن فاجعه آمیز دختری نوجوان بنام رومینا با داس توسط پدرش، بار دیگر موضوع قتل های تعصبی و ناموسی را در کشور مطرح نمود.

حدود ده سال پیش کیانوش عیاری فیلمی ساخت که موضوع آن قتل دختری بنام ملوک توسط پدرش در یک زیر زمین بود، فیلمی که روزگار خوش ندید و اولین بار در سال ۹۳ از پرده نقره‌ای پایین کشیده شد و اگرچه پس از تغییراتی، سال گذشته به سینماها بازگشت اما بازهم در روزهای ابتدایی اکران با حکم توقیف روبه‌رو شد.

گرچه اتفاق فیلم در سال ۱۳۰۸ رخ میدهد، اما ملوک ۹۱ سال بعد و این بار بنام رومینا و باز بدست پدرش کشته میشود، همانند چندین قرن گذشته هر بار به اسم های مختلف و در جاهای گوناگون دختران این سرزمین، بدلیل تعصبات افراطی و خشم کور، اسیر پدر و برادر و اقوام شدند و به اسم غیرت، به تیغ جلادانی گرفتار شدند که باید پناهگاه و محافظ آنها می بودند.

قتل های ناموسی تنها مختص ایران نیست و صندوق جمعیت سازمان ملل، برآورد مرگ سالانه پنج هزار نفر در دنیا بر اثر قتل ناموسی را دارد و بر اساس برخی بررسی‌ها، در ایران هم شایع‌ترین قتل‌ها به مسائل جنسی و ناموسی مربوط است و حدود ۲۰ درصد از کل قتل‌ها و ۵۰ درصد از قتل‌های خانوادگی از آن جمله اند. مقالات دانشگاهی و پایان‌نامه‌هایی که به بررسی این موضوع پرداختند، هم از آمار بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ مورد قتل ناموسی سالانه خبر می‌دهند که در استان‌هایی با بافت فرهنگی قبیله و عشیره‌ای خوزستان، کردستان، ایلام و سیستان و بلوچستان بالاتر از دیگر نقاط کشور هست.

کیانوش عیاری در فیلم خانه پدری، جسارت بی نظیری در به تصویر کشیدن یک درد کهنه از صدها درد نهفته در جامعه را نمود که گرچه داستان ساده و روانی دارد، اما آتش به جان تماشاگر می زند، و شاید همین روشن نمودن آتش زیر خاکستر باشد که باعث توقیف ده ساله فیلم شد و نمایش آن را خطری برای فرهنگ جامعه دانستند.

فیلم خانه پدری حکایت یک جنایت دستجمعی مردانه خانواده هست که گویا نفرین شوم آن دختر بی گناه، دست از سر خانه و بازماندگان بر نمی دارد و چند نسل از یک خانواده را با خود به سرنوشتی شوم دچار می کند.

خانه پدری که باید محیطی امن برای دختران باشد، به دلیل تعصبات وهم آلود، به قبرستان دختران و زنانی تبدیل می شود که زندگی حق آنها بود و نفس کشیدن سهم طبیعی شان، ولی طبیعت خشن و تفکرات بدوی مردانه باعث می شود تا زیر زمین سرد، جایگاه ابدی آنها شود.

فیلم خانه پدری تلخ هست، اما نه به تلخی آنچه در همه این سالها بر دختران بی گناهی رفته است که به ظن خطا و اشتباه و برای حفظ آبروی خانوادگی و نشان دادن غیرت مردانگی، گلویشان در دستان پدر و برادری فشرده و تیغ بر گردنشان کشیده و جان از بدنشان گرفته شد تا غرور مردسالاری و تضییع حقوق زنان همچنان در جامعه، ادامه یابد.

و تاسف انگیز این که کثیری از مردم برخی از مناطق نگاه مثبت و تایید کننده ای نسبت به آن دارند بطوری که در برخی از مناطق ایران، افکار عمومی از قاتل حمایت کرده و در برخی موارد فرد قاتل حتی قهرمان خوانده می‌شود و چنین نگاهی می‌تواند انگیزه خوبی برای ادامه این قتل ها باشد.

تا موقعی که در جامعه شاهد ارزش ها و هنجارهای نابرابری جنسیتی، تقویت و پذیرش باورهای مردسالارانه و پایپندی به سنت های غلط و افراطی باشیم و در خانواده ها با ضعیف انگاشتن زنان و دختران، آنها را مایملک مردان و پدران دانسته و از طرفی با کمبود قوانین بازدارنده در این زمینه روبرو هستیم، همچنان باید منتظر خفه شدن ملوک و یا سربریدن رومینا بدست پدرانشان باشیم.

بنابراین تدوین قوانینی در جهت حمایت از زنان خشونت دیده و مورد آزار قرار گرفته، فرهنگ‌سازی برای رفع تفکر نابرابری جنسیتی و آموزش زندگی برابر و احترام به زنان و دختران در خانواده و ... ضروری و از نیازهای فوری جامعه هست.

کودک خود را در فضای مجازی بازیگر نکنید

آیدا چوبساز (دانشجوی دکترای روانشناسی)

چندی است در شبکه های مجازی مخصوصا اینستاگرام، فیلم های زیادی از کودکانی را میبینیم که حرف میزنند و بازی میکنند، فیلم هایی که والدین برای ثبت خاطرات از کودک میگیرند و آن را منتشر میکنند.

اما گاهی دیده میشود که دیگر حرفها و رفتارهای کودکانه از آن خودش نیست، گویا والدین به کودک رفتارهای خاصی را یاد داده، کودک را ملزم به تخیل و گفتار در مورد چیزهایی میکنند که دیگر فکر او نیست. مثلا به او در مورد مفاهیمی چون سوگ میگویند که برای کودک قابل پذیرش نیست، از کودک میخواهند به زبان کودکانه اش بدون در نظر گرفتن مفهوم واقعی، مرگ را توضیح دهد، یا کودکی که هنوز مفهوم ازدواج را درک نکرده ولی والدین تخیلاتی مبنی بر آن را برایش دامن می زنند. یا اعمال و حرکاتی که مناسب سن پایین کودک نیست ولی والدین به اجبار و تشویق کودکان را وادار به انجام آن می کنند.

مهم است بدانیم کودکان تا سن شش سالگی هنوز بطور کامل قادر به تشخیص واقعیت از خیال نیستند.

طبق نظریه اریکسون (روانشناس)، کودکان در سن ۳ تا ۶ سالگی در مرحله ابتکار عمل در برابر احساس گناه قرار دارند. کودکان در این سن از طریق بازی وانمود کردن، نوع انسانی که می توانند بشوند را کاوش میکنند، ابتکار عمل زمانی است که والدین از درک جدید هدف و مقصود در فرزند خود حمایت کنند، اگر در این مرحله والدین زیاد توقع داشته باشند و بخواهند فرزند خود را کنترل کنند، موجب حس گناه در او می شوند.

در این سن هست که کودک خودگردانی هیجانی پیدا میکند و میتواند احساساتش را کنترل و تنظیم کند، والدینی که کودک را به انجام اعمال و موضوعات خواست خودشان مجبور میکنند برای اینکه رفتار کودکانشان جلب توجهی بیشتری بکند، یا به نظر خودشان رشد بیشتری داشته باشد و بطور مستمر از کودک فیلم گرفته و تمام رفتارهای او را زیر ذره بین قرار میدهند، باعث آسیب رساندن به کودک برای پیدا کردن خودپنداره اش (شناخت فرد نسبت به خودش) می شوند.

در این سن اگر کودک طبق خواسته والدین نتواند عمل کند، یا به علت شناخته شدن در فضای عمومی در انجام اعمال شکست بخورد، شدیدا دستخوش هیجان های منفی میشود و به سختی میتواند توجه خود را از هیجان منفی کنار بزند، دچار حس شرم عمیقی میشود، و در سن بالاتر تعامل بدتری با والدین و همکلاسی ها خواهد داشت و بنابراین خودگردانی هیجانی ضعیفی پیدا می کند.

پس در این سن اجبار والدین مبنی بر شکل گیری هویت خاص مد نظر خودشان در کودکان، باعث آسیب رساندن به کودکان میشود.

بهتر است در فضای مجازی در پخش کردن و لایک کردن فیلم های کودکان بیشتر مراقب باشیم.

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

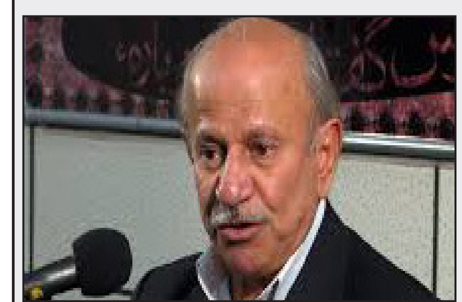
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



یادداشت های منظوم دکتر جعفر حمیدی (۱۰)

چه داری تو منظور از این آشتی



که تا همسر دیگر من شود
زمانی دل افزای و همبر شود
که من کارمند در این شهر خویش
حقوقم بود پر بها بهر خویش
بگفتا که این حرف زیبنده است
چو برگ گل پاک و پاینده است
که تو کارمندی و نان آوری
نه بیکار و بیعار و تن پروری
چو رفتیم خانه، به روز دیگر
پدر گفت با مادر، ای هم سفر
تویی مهربان همسر اولم
که پیوسته باشی عزیز دلم
محبت نمودی مرا بارها
گرفتی تو از دوش من بارها
تو پیوسته محبوب من بوده ای
عزیز دل و خوب من بوده ای
بدو گفت مادر چرا این زمان
به من گشته ای این همه مهربان
چه مقصودی از این سخن داشتی
چه داری تو منظور از این آشتی
پدر گفت اِذنم دهی این زمان
که همسر شَوم من به دخت فلان
چنان بر سر خویشتن کوفت او
که دل های ما را همه سوخت او
پدر گفت با هم خراسان رویم
به پابوس آن شاه مردان رویم
برایت النگوی زر می خرم
زر و زیور بیشتر می خرم
مخور غصه، در خانه تو سروری
از آن زن دو صد دفعه تو بهتری
خلاصه چنان گفت و آن راه کوفت
که مادر دلش از برایش بسوخت
سه شب بعد از آن مجلس سور بود
شب جشن و شادی پر شور بود
عروس گرانمایه با عز و ناز
بیامد به خانه به تنبور و ساز
پدر گشت داماد و مادر مریض
ز بی طاقتی روز و شب اشکریز
ببخشید اگر قافیه تنگ شد
مریضی و ریزی هماهنگ شد
خلاصه از آن پس بسی جنگ بود
دو همسر به یک جا بد آهنگ بود
پدر نیز شوریده احوال شد
ز اوضاع این خانه بد حال شد
گرفت از برایش دگر خانه ای
که آزاد باشد به یک لانه ای
ولی جنگ و تحریک در کار بود
منم و تویی، نخل پربار بود
چو شش سال از آن ماجرا برگذشت
پدر قفل این ماجرا را شکست
جدا شد از آن همسر دلفریب
به خانه بسی ماند بی رنگ و زیب
که تا منتقل شد به شهر دگر
که رفتیم با او همه سر به سر
که شش سال بودیم آنجا مقیم
در آن شهر دریایی پر نسیم
ولی بعد شش سال باز آمدیم
سوی شهر خود بی نیاز آمدیم

قناصه چی های انتخابات و استیگمای نماینده اقلیت بودن

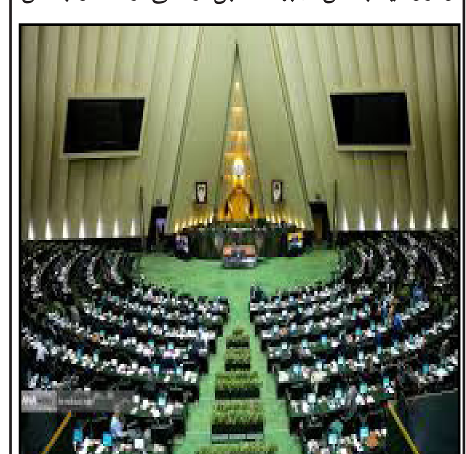
دکتر سعید معدنی



روز چهارشنبه هفتم خرداد مجلس یازدهم کارش را آغاز کرد و آقای قالیباف هم به عنوان رییس مجلس انتخاب شد. مجلسی که یک تفاوت اساسی با مجالس قبلی دارد و آن اینکه منتخب اکثریت جامعه نیستند. از قرار معلوم ۲۶ درصد مردم تهران و در کل کشور هم حدود ۴۷ درصد واجدین شرایط در انتخابات مجلس یازدهم شرکت کرده اند و رییس مجلس از سوی منتخب همین ۲۶ درصد تهرانی انتخاب شده است.

دکتر حمیدرضا جلایی پور در آستانه انتخابات اعلام کرد که مسوولان انتخابان موشک نقطه زن استفاده کرده اند! لذا همه افراد شاخص اصلاح طلب ردصلاحیت شده اند. در نتیجه عملا جای فعالیتی برای انتخابات باقی نمانده است (نقل به مضمون).

در جبهه های جنگ معمولا در هر دو طرف، افراد تک تیر انداز ماهری بودند که تفنگ های دوربین دار به نام قناصه داشتند. در گوشه ای دنج و استتار شده می نشستند و افراد نترس، جسور، پرتحرک و روحیه بخش جبهه مقابل را می زدند و بخش

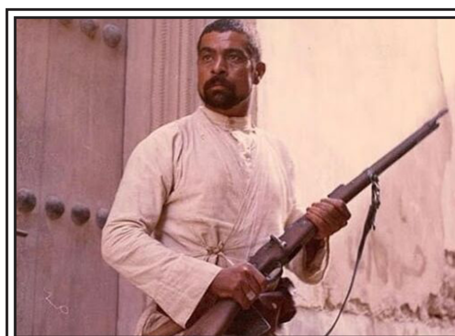


مهمی از تحرک جبهه مقابل را به سکون و رکود می کشاندند. با رد صلاحیت اکثر اصلاح طلبان، و عدم فعالیت و سکوت احزاب و گروه های عمده اصلاح طلب موجب شد تا انتخاباتی بی روح و روحیه برگزار شود. اگر چه تایید اصلاح طلبان هم در شرایط کنونی معجزه نمی کرد - زیرا مردم از گرانی کمرشکن و بیکاری و تورم روزافزون به ستوه آمده و دیگر قصد مشارکت نداشتند - اما شاید اگر اصلاح طلبان شاخص تایید می شدند ۵ درصدی به مشارکت کنندگان اضافه می شد و منتخبان از داغ (استیگمای) نماینده اقلیت بودن رها می شدند و به اکثریت نسبی حداقلی می رسیدند.

استیگما(stigma) یا داغ اصطلاحی است که اروین گافمن جامعه شناس آمریکایی به کار برده و می گوید افراد در زندگی گذشته خود کارهایی انجام داده اند و یا اتفاقاتی رخ داده که در شان و شخصیت امروزی شان نیست و سعی می کنند که خود و اطرافیان از آن با خبر نشوند و یا در صورت اطلاع، موضوع ندیده گرفته شده و یا به فراموشی سپرده شود.

نمایندگان دوره یازدهم هم از داغ "نماینده اقلیت بودن" رنج می برند. هرگاه نمایندگان این دوره از خود به عنوان "منتخب مردم" سخن بگویند یاد استیگمای "نماینده کمتر از ۵۰ درصد مردم بودن" می افتند. شاید تا پایان این دوره چهار ساله برخی اصطلاح "نماینده مردم بودن" را در سخنان شان کمتر به کار ببرند.

ناگفته‌هایی از زندگی شیر محمد تنگسیر در بوشهر



بوشهر-ایرنا- مهدی جهانبخشان پیشکسوت رسانه‌ای استان بوشهر در یادداشتی و تهیه کلیپی که در پیج اینستاگرامش نیز منتشر شده به "ناگفته‌هایی از زندگی شیر محمد تنگسیر که فیلم و کتابی نیز به همین نام تولبد و منتشر شده " پرداخته است.

در این یادداشت که به معرفی و موقعیت مکانی منزل شیر محمدبه روایت گری یکی از معلمان بوشهری پرداخته آمده است: این خانه در هرکجای دنیا بود، حتی کوچه اش راهم محترم می داشتند.

آقای شعبان عباسی معلم آموزش و پرورش در خانه قدیمی را روی ما گشودند و راهنمایی و اطلاعات مفصلی ارائه دادند.

بله،خانه، خانه زایر محمد تَنگِسیریا بقول بوشهریا زار مَحمدتنگسیر است.

کار زارمحمد، ساختن ساروج و گچ و درآوردن سنگ از سنگدرار بود و نزد پدر پدر بزرگ یونس قیصی زاده (مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب) بکار مشغول بود.

پولش را به امانت نزد چند نفر می گذارد، ولی آنها پول را بالا می کشند و امروز و فردایش می کنند.

وی نیز عاصی شده و با اسلحه همه را به قتل می‌رساند بعد به خانه‌اش واقع در تل کوتی، پشت مسجد ارشاد می آید، می‌رود پشت بام، می‌بیند دو نفر امنیه در پشت تَلِ گورها در کمین او مستقر کرده‌اند، می‌خواهد آنَها را بزند که حاج عباس مهیار، رفیق جان جانیش می‌رود و مانع می‌شود. سپس باتفاق هم به عمارت حاکم می‌رود، به آشپز حاکم می گوید برو به دریابیگی بگو بیاید اینجا، وقتی حاکم می‌آید به او ابراز می دارد که می دانم مهمان داری، ولی قایقت را به من بده تا از شهر خارج شوم، پولم را ندادند من هم آنها را کشتم، خلاصه قایق را برمی‌دارد و پارو می‌زند و به جزیره می‌رود و بعد هم با وسیله دیگر خود را به آبادان و کویت می‌رساند و شغل قهوه خانه داری برای خودش بپا می کند تا اینکه می‌میرد.

این روایت آقای عباسی، راهنمای همین منزلست که آقای عباسی هم از مرحوم حاج عباس مهیار شنیده است.

مرحوم مهیار تا لحظه فرار زارمحمدتنگسیر با وی همراه بوده و بیش از صد سال عمر کرد.

داستان کوتاه و رمانی نیز براساس همین روایت به رشته تحریر درآمده است.

از روی رمان تنگسیر هم فیلمی ساخته شدکه در بوشهر فیلمبرداری شد.

خیرین بوشهر
یک خدمت از نیکوکار بوشهری

یک کار خیر از مرحوم حاج محمد حسین قیصی زاده در بوشهر برایتان نقل کنم. در بوشهر آب بندرت پیدا می شد، هر کس که در منزل آب انبار داشت مشکلی نداشت، مردم ساده زندگی می کردند و پی تجملات نبودند.

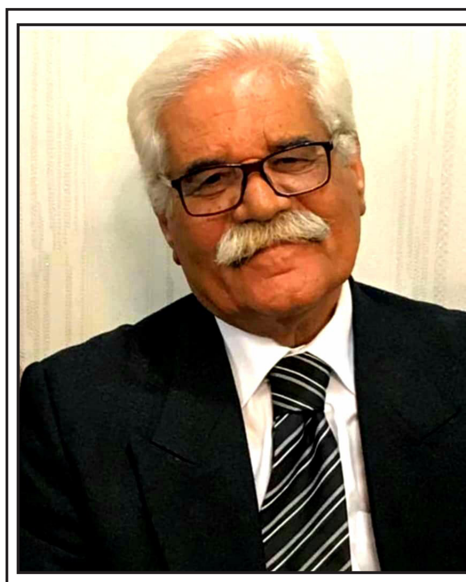
بارندگی که زیاد می شد هر کس آب انبار داشت به همسایگان کمک می کرد. باران که می آمد مردم خوشحال بودند و در بیابانهای اطراف منازل خود گندم می کاشتند. باران هم که نمی آمد مردم دچار مشکل می شدند خصوصا آنها که آب انبار نداشتند.

حاج محمد حسین قیصی زاده برای استفاده مردم، آب انبار بسیار بزرگی در قبله قدمگاه امام جعفر صادق(ع) - بین محله سنگی و بنمانع - بنا نهاد که سالهای سال و تا قبل از احداث خیابان عاشوری، مرتب مردم از این آب انبار استفاده می کردند که البته در موقع خیابان کشی از بین رفت.

نوشته شده توسط علی خلیجی http://tenob.blogfa.com/post/۵۸۶

عاشق شهر و دیار و زادگاهش؛ بوشهر

رضا سیاهوشی



ای باغ خزان شو که بهاران همه رفتند
خوش باد به زاغان که هزاران همه رفتند
گل ها که به ابرو ، همه را چین خزان بود
دیدند که برف آمد وباران همه رفتند

سپیدموی بامعرفت ، باصفا و خوش اخلاق و از محله شکری، یک بوشهری قدیمی و بامرام که به خاطر مردم داری اش و انسان دوستی اش همه دوستش داشتند و همیشه هم از احترام خاصی برخوردار بود.

" زنده یاد محمدرضا حق پرست"، خوش مجلس، مهمان نواز، اهل مطالعه، شعر، ادب و هنر.

حضور فعال در بسیاری از مجالس ادبی و فرهنگی و تاریخی داشت. ضمن اینکه عاشق شهر و دیار و زادگاه خویش؛ بوشهر کهن بود.

وقتی آن پُک های عمیق به سیگارش میزد و تکانی به سیبیل های بسیار مردانه اش می داد تا آغازگر سخنی باشد و یا خاطره ای بگوید، مانند قصه گویی قهار مخاطب را با بیان شیرین و حس و حال خاصی آن هم با لهجه ی اصیل بوشهری مجذوب می کرد تا از گرمی وجودش و صمیمیت قلب مهربانش لذت ببرد.



بسیار علاقمند به ورزش، فوتبال و حتی در بستر بیماری هم پیگیری وضعیت تیم شاهین می کرد و برای بوشهر دل می سوزاند.

افسوس که فاصله بیماری تا خزان عمرش بسیار کوتاه شد تا علیرغم هماهنگی با اعضای کانون پیشکسوتان شاهین، سعادت حضور خدمتش نصیب ما نگردد و نتوانیم خاطره آن دیدار را ثبت و به یادگار نهیم.

روحش شاد و یادش گرامی.

چند ترانه پیشکش به جان شیفته و فروزان جاودانه مرد، نویسنده و مترجم آگاه و نامدار «نجف دریا بندری»

عبدالمجید زنگویی



فرزند خلف به ملک جاوید رسید
زین خاک گذشت وتا به ناهید رسید
او عشق به علم و عالم و آدم داشت
زاین راه به جاه و اوج امید رسید
*
آوازه شهرتش جهان را بگرفت
دریا شد و آهنگ زمان را بگرفت
پیرانه به سر پهنه ی دریا را گشت
با تجربه ملک ترجمان بگرفت
*
در آب و هوای عشق برنا می بود
صاحب هنر ونماد معنا می بود
از پا ننشست تا جهان را طی کرد
علمش چو ز « پیر مرد و دریا » می بود
*
دریا بندر ز خاک ما بال گشود
تا عمق سپهر مهر پرواز نمود
همواره هوادار خرد بود و نجف
کز دانش خویش علم مارا بفزود
*
اندیشه تو را کشاند تا خانه ی عشق
شاداب شدی ز جام و پیمانه ی عشق
در سلسله آبدیده گشتی، وآنگاه
با نام تو جان گرفت افسانه ی عشق

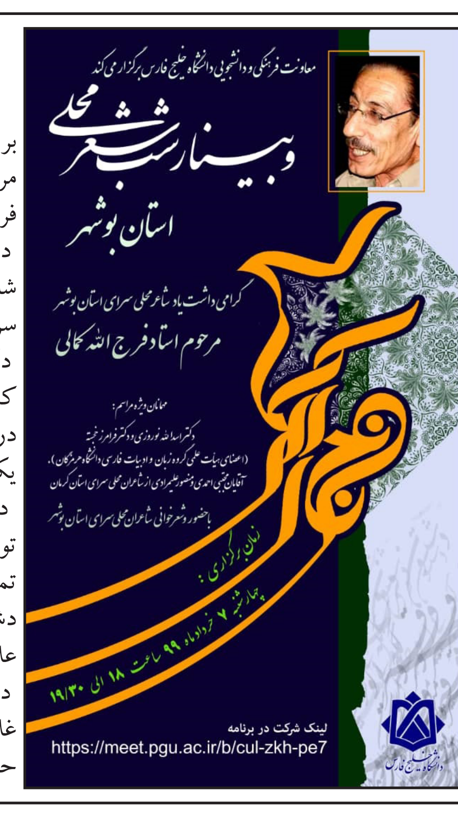
رحلت بیگاه
پیشکش به جان شیفته و تابناک استاد فرج الله کمالی جاودانه شاعر دیارمان

عبدالمجید زنگویی



با کمالی شعر دشتستان کمال و جاه یافت
در دل عامی و عارف ، پیر و برنا راه یافت
عشق و داتش را به هم آمیخت در دنیای شعر
تا در این دنیای وانفسا دلی آگاه یافت
در دل دریایی اش غوغا چنان سر بر کشید
کز تموج های بی پایان غمی جانکاه یافت
شاعری اهل خرد ، از جنس خوبان جهان
گام ها چون زد به راه عشق ، ره دلخواه یافت
شاعری ز اعماق آمد تا زبان خلق شد
شعر هایش در دل شب روشنای ماه یافت
***
درد دشتستان تو را آسایش و رامش نداد
تا که جانت از بلایا رحلت بیگاه یافت
جز ز عشق و دوستی از ذهن و کلکت برنخاست
آن که بر آیین و فکرت تاخت پادافراه یافت
گرچه اسباب طرب را از نوا انداختند
طوطی طبعت طنین قهقه و قهقاه یافت
بارها از « ایرجو » گفتی : نخواهی شد جدا
« ایرجو » اینک تو را در قلب، منزلگاه یافت

گرامیداشت یاد شاعر محلی سرای استان بوشهر استاد فرج الله کمالی در دانشگاه خلیج فارس بوشهر



برنامه شب شعر محلی استان بوشهر در قالب وبینار و به مناسبت گرامیداشت یاد شاعر محلی سرای استان بوشهر مرحوم استاد فرج الله کمالی در روز چهارشنبه مورخ ۷ خرداد ماه ۱۳۹۹ از ساعت ۱۸ الی ۱۹ و ۳۰ توسط معاونت فرهنگی و دانشجویی و با همکاری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خلیج فارس برگزار گردید.

در این مراسم دو نفر از اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان و همچنین تعدادی از شاعران محلی و داستان سرایان استانهای کرمان و هرمزگان به عنوان مهمانان ویژه برنامه در کنار شاعران محلی سرای استان بوشهر حضور داشتند.

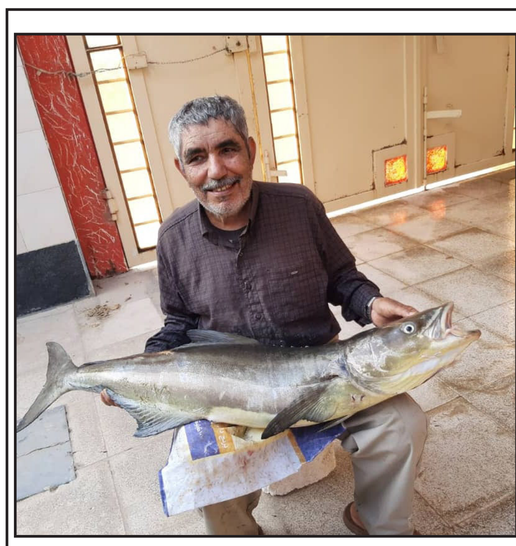
دکتر نوروزی عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان ضمن نثار درود به روان زنده یاد کمالی در اهمیت زبان و گویش ها به سخنی از دکتر علی محمد حق شناس اشاره کردند که "دست زبان را باید در دست هنر بگذاریم و برای ترویج و زنده نگاه داشتن هر زبان و گویش نیازمند به هنر و هنرمند هستیم و شعر یکی از انواع این هنرهاست".

در بخش دیگری از مراسم نیز دکتر ناصر جابری مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خلیج فارس به توصیف پهنه جغرافیایی گویش‌های محلی در استان بوشهر پرداخت و شعر استاد کمالی را به دلیل اینکه با تمام صمیمیت، خلوص و سادگی ناگفته‌های مردم را بیان می‌کند دلنشین توصیف کرد و اظهار داشت که شعر دشتستانی و به ویژه شعر کمالی در نواحی اطراف استان به ویژه مناطقی از فارس، کهگیلویه و خوزستان دارای علاقمندانی می‌باشد.

در این مراسم دکتر نوروزی و بنیامین جوادی از هرمزگان و علیمرادی از کرمان در کنار قاسم درویشی، محمد غلامی، کاووس کمالی نژاد، محمد جعفر نجدی و معصومه خدادادی از استان بوشهر، اشعار محلی خود را برای حاضرین در نشست قرائت کردند.

پیرمرد و دریا ...

حبیب احمدزاده



این عکس خندان از شوهر خاله بنده حسن آقای زائری ست در گناوه که بیش از پنجاه سال است که از کودکی با قلاب در اوقات فراغت در کنار ساحل شهرش قلاب انداخته و ماهیگیری می کند.

قهوه خانه بسیار کوچکی در سطح بازار دارد که در تمامی این سالها به مشتریان مسافرش چای داده و ظهرها دال عدس و بعضی وقت ها قلیه ماهی و بعد از نهار در قهوه خانه را بسته و سراغ علاقه اش ماهیگیری می رود در تمام عمرم ندیدم در کار کسی دخالت بیجا و یا حرف غیبتی زده باشد، به اندازه توانش هم دست به خیر دارد و فرزندانش همگی تحصیل کرده که بیشتر از پیگیری و نظارت خاله ام مریم است و این بزرگترین ماهی است که در زندگیش صید کرده با وزن بیش از پانزده کیلو که همین شب عید فطری به قلابش افتاده آن هم با چه زحمت و تلاشی ... ماهی که در زبان محلی جنوب (سکن) می نامندش . ماهی که بسیاری در گناوه می گویند تابحال ندیده اند به قلاب کسی افتاده باشد .(صحت و سقمش به گردن راویان) به هرحال هروقت میبینمش، انگار که یکی از حواریون را در بهشت خودساخته میبینم ، البته اگر پادشاه ماهی ها در آن دنیا ببخشدش.